

تأملی نوین در پیشگیری از برخی بسترهای اقتصادی مؤثر در وقوع جرم*

داوود سعیدی (نویسنده مسئول)**

حمید سلیمانی خورگو***

چکیده

امروزه متغیرهای کلان اقتصادی همچون فقر، نابرابری اقتصادی و درآمدی و بیکاری، از جمله فاکتورهای مهم و اساسی شناخته شده در وقوع پدیده جرم به شمار می‌روند. پیشگیری در انواع رویکردهایش به ویژه رویکردهای اصلاحی و مکانیکی نیازمند برنامه و هزینه‌های مالی طولانی مدت می‌باشد. هدف از طرح این پژوهش ارائه پیشگیری بهینه در انواع بسترهای اقتصادی وقوع جرم است. در نوشتار حاضر که یک مطالعه توصیفی، تحلیلی و انتقادی در زمینه انواع پیشگیری از جرایم است، نگارندگان با اشاره به پژوهش‌های تجربی انجام گرفته، مفاهیم اولویت‌شناسی و پیوستگی را هم در تحلیل بسترهای جرم‌زا و هم در ارتباط با حوزه پیشگیری تبیین کرده‌اند. این در حالی است که مطالعات اقتصاد جرم و جنایت، معمولاً آثار این عمل را به تفکیک و مجزا از هم، ارزیابی می‌کنند. در حوزه پیشگیری از جرم نیز همین رویکرد تفکیکی در پیشگیری‌های اجتماعی غالب بوده است. نتایج به دست آمده حاکی از این مسئله هستند که برخی از بسترهای اقتصادی وقوع جرم یعنی فقر، نابرابری اقتصادی و درآمدی تحت تأثیر نرخ بیکاری بوده، لذا رابطه مثبت و معناداری با این متغیر کلان اقتصادی پیدا می‌کنند. دست‌آورد دیگر مطالعه حاضر

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** دانشجوی دکتری فقه و مبنای حقوق اسلامی دانشگاه ایلام و مدرس دانشگاه پیام نور و علمی کاربردی

جهاد دانشگاه بندرعباس، بندرعباس. ایران / d.saeedi@yahoo.com

*** کارشناس ارشد مشاوره خانواده و مشاور خانواده کلینیک اندیشه نیک بندرعباس، بندرعباس. ایران /

Soleimanihamid9@gmail.com



نشان‌دهنده مناشی مجرمانه‌ای با عنوان جرایم سازمان‌یافته هستند. بنابراین، این عوامل علاوه بر اینکه خود مستقلاً عاملی برای وقوع جرایم خُردی همچون سرقت و قتل در جامعه هستند، می‌توانند نشئت گرفته از جرایم کلان سازمان‌یافته و اقتصادی باشند. در زمینه انواع رویکردهای پیشگیری نیز به جای تأمین هزینه‌های مالی یکسان می‌بایست با تخصیص بهینه اقتصادی، راه را برای پیشگیری مؤثرتر مکانیکی و تنبیهی هموار ساخت.

کلید واژه‌ها: پیشگیری اصلاحی، پیشگیری مکانیکی، پیشگیری تنبیهی، جرایم سازمان‌یافته.

مقدمه

در نظریه‌های چند عاملی، علل متعددی را در بروز یک پدیده در نظر می‌گیرند. ظاهراً برخی از این نظریه‌ها نقش عامل اصلی را انکار کرده، و به طور همزمان جایگاه فاکتورهای مختلف و دخالت آنها را در وقوع پدیده‌های اجتماعی، انسانی و مادی مورد بررسی قرار می‌دهند. این نظریه‌ها جرم را نتیجه تعامل عوامل مختلف می‌دانند. نظریه‌هایی مانند نظریه فونتان (Fontan)، کوارکیس (Korakis) و بائر (Bauer) از آن جمله هستند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۳۶۴ - ۲۳۵۶)

جرم از جمله مسائل پیچیده و چند بُعدی است که علل متعددی می‌تواند در آن مؤثر باشد، پس می‌بایست، همزمان با بررسی عامل مهم و اصلی، تأثیر عامل‌های دیگر را به ترتیب اولویت، درجه و اهمیت، در تحلیل‌های جرم‌شناسی و هم‌شیوه‌های پیشگیری در نظر گرفت. سپس در صورت تساوی آنها، به دخالت همه عوامل مطابق با نظریه اول اندیشید. روند رو به رشد برخی جرایم (سرقت و قتل) و حتی متغیرهای مستقل آنها مثل نابرابری‌های اقتصادی و درآمدی، می‌تواند معلول شرایط مُخرَب بازار کار در کشور ایران، طی چند سال اخیر باشد؛ به طوری که آحاد ملت همزمان با شرایط نامساعد این بازار، سطوح معنی‌داری از نابرابری‌های اقتصادی و درآمدی و فقر را هم تجربه کرده‌اند. نابرابری اقتصادی و درآمدی و فقر به ترتیب اولویت‌های بعدی اقتصادی جرم در کشور و بعد از متغیر مهم اشتغال و بازار کار می‌باشند.

رابطه مثبت و معنی دار این تخریب و سرایت آن به نابرابری اقتصادی و درآمدی و در نهایت فقر، به لحاظ نظری غیر قابل انکار می‌نماید. این جریان و روند نسبتاً افزایشی به تبع اوضاع نامساعد اقتصادی در قالب آسیب‌هایی مانند سرقت و قتل، بنا بر برخی مطالعات تجربی انجام شده در این حوزه قابل اثبات است. (گرشاسبی و فخر، ۱۳۸۹: ۴۰۱)

در رویکردهای پیشگیری نیز غالباً از علل مجرمانه و بسترساز وقوع جرم کمتر سخن به میان می‌آید. این در حالی است که برخی جرایم همانند جرایم سازمان‌یافته یا جرایم سازمان‌یافته اقتصادی، اختلال شدید نظام اقتصادی را فراهم می‌آورند. به بیان دیگر منشأ بسترهای جرم‌زای بیکاری و شرایط مخرب، نابرابری درآمدی و اقتصادی، فقر را هم می‌توان در جرایم سازمان‌یافته و اقتصادی جستجو کرد. پژوهش حاضر به روش توصیفی، تحلیلی و انتقادی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی دو مفهوم اهمیت (اولویت) و ارتباط (پیوستگی) را در فاکتورهای اقتصادی وقوع جرایم سرقت و قتل، جرایم سازمان‌یافته و اقتصادی و هم ظرفیت‌سنجی انواع رویکردهای پیشگیری به صورت یکجا و مستقل تبیین کرده است.

اهمیت و ضرورت بحث با توجه به روند رو به رشد جرایم مذکور (سرقت و قتل) طی دو دهه اخیر در جامعه ما و هم جهانی شدن مسئله جرم و جنایت، از رهگذر جرایم سازمان‌یافته و اقتصادی، به خوبی آشکار می‌گردد.

مدعا و فرضیه نوشتار حاضر اینکه بسترهای اقتصادی وقوع جرم از جمله فقر، نابرابری درآمدی و اقتصادی و بیکاری از منظر بسترسازی جرایم سرقت و قتل دارای درجه‌بندی و اهمیت هستند. به بیان دیگر میزان نرخ بیکاری و شرایط بازار کار اولویت و اهمیت بالاتری نسبت به نابرابری‌های درآمدی و اقتصادی و فقر در تولید جرایم سرقت و قتل دارا بوده، به همین دلیل تمرکز سیاست‌گذاری‌ها دولتی و هم معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه در درجه اول برای این فاکتور (بیکاری و شرایط مخرب بازار کار) حیاتی، می‌بایست صورت گیرد.





در درجه دوم نابرابری درآمدی و اقتصادی و در مرحله سوم فقر فاکتور مؤثر در وقوع چنین جرایمی هستند. علاوه بر این شرایط بازارکار و بیکاری می‌تواند دو فاکتور بعدی یعنی نابرابری و فقر را تحت تأثیر قرار داده، باعث افزایش آن دو و جرایم وابسته به آن‌ها شود. با وقوع پدیده جهانی شدن جرم از منظر جرایم سازمان‌یافته و اقتصادی مسئله پیچیده و چند بُعدی جرم بدین‌جا خاتمه نمی‌یابد. رهاورد شوم جرایم سازمان‌یافته و اقتصادی، اخلال شدید نظام اقتصادی کشورها یعنی همان فقر، بیکاری و نابرابری‌های اقتصادی و درآمدی است. این همه، کار پیشگیری با انواع رویکردهایش خاصه پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار و حتی رشد‌مدار را که نیازمند صرف هزینه‌های کلان اقتصادی و تخصیص بودجه مالی است، دشوار و غیرممکن می‌سازد، لذا رویکردهای تنبیهی و مکانیکی در خصوص جرایم سازمان‌یافته و اقتصادی توصیه می‌گردد. به نظر می‌رسد به لحاظ ادبیات موضوع و پیشینه بحث در حوزه پیشگیری بهینه اقتصادی که رویکردی چند بُعدی و چند متغیری است تاکنون مطالعات مستقلی صورت نگرفته باشد.

چنان که اشاره شد به نظر می‌رسد در حوزه پیشگیری تلفیقی یا ترکیبی تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته است. مشابه‌ترین مطالعه به این حوزه، مقاله «جرم‌زایی برخی جرایم مهم» است که برای نخستین بار به ارتباط میان برخی جرایم مهم مانند جرایم اقتصادی و جرایم سازمان‌یافته اشاره کرده است. در واقع در این پژوهش فضای مجرمانه پیشینی و پسینی مهم و گسترده‌تری را با یک یا چند واسطه برای تحلیل مفهوم علت شناختی برخی جرایم خاص ترسیم نموده است. بدین بیان که پژوهش‌های بیشماری به ارتباط میان وقوع جرم با شرایط فردی و خانوادگی، اختلال‌های روحی و روانی، تحولات سیاسی، ژئوپولیتیک، اجتماعی و اقتصادی، زمینه‌های فرهنگی، قومی و مذهبی و... پرداخته‌اند. در مورد رابطه جرایم با یکدیگر، اگرچه نظراتی عمدتاً پراکنده دیده میشوند، لیکن غالب این نظرات به شکلی اجمالی، مجزا و مستقل از هم بوده و در حوزه مطالعاتی یک جرم خاص و نه در ارتباط با چند جرم و غیر نظام‌مند عنوان شده‌اند. به عنوان مثال قاچاق مواد مخدر، پول‌شویی و قاچاق کالا (و ارز) ارتباط نزدیکی با فساد دارند.



مجرمان این جرایم برای پیشبرد امور خود نیازمند همکاری با کارمندان فاسد در قسمت‌های مختلف به خصوص گمرک، پلیس و بانک‌ها هستند؛ یا جرایم اقتصادی با زنجیره‌هایی از جرایم دیگر در ارتباط هستند، جرایمی از قبیل ارتشاء، تطهیر درآمدهای نامشروع یا پولشویی، جعل اظهارنامه‌های گمرکی یا مالیاتی، قدرت فراوانی در ایجاد اختلال نظام اقتصادی، تخریب منافع ملی و سرمایه‌های اجتماعی دارند. یک مثال ساده، ملموس و واقعی برای این تحلیل، تولید، قاچاق، توزیع و مصرف مواد مخدر است. عناصر توزیع مواد مخدر افزون بر موادرسانی به مصرف کنندگان دائمی، به دنبال ایجاد مصرف کنندگان جدیدی نیز هستند که این مسئله منجر به اعتیاد خیل عظیم دیگری به شبکه مصرف شده و معتادان جدیدی را ایجاد می‌کند. اعتیاد اگرچه خود به عنوان یک آسیب اجتماعی محسوب می‌شود، ولی خود منشأ آسیب‌های اجتماعی فراوان دیگری نیز هست. یکی از رخدادهای تلخ ناشی از اعتیاد، پدیده شوم طلاق است که آن نیز اگر معلول آسیب اعتیاد به شمار رود، خودش می‌تواند علت آسیب‌های اجتماعی فراوان دیگری شود که ایجاد کودکان کار یا زنان و کودکان خیابانی و سرقت و... باشد. (ابرند آبادی، ۱۳۸۴)

۱. رویکردهای پیشگیری از جرم

رویکردهای موجود در پیشگیری، به رویکردهای اصلاحی، مکانیکی و تنبیهی تقسیم می‌شود. رویکرد اصلاحی سعی دارد با حذف علل ریشه‌ای و اجتماعی جرم، از وقوع جرم، پیشگیری نماید. رویکرد اصلاحی، شامل رویکرد پیشگیری اجتماعی که خود به دو شاخه «رویکرد رشد مدار» و «جامعه مدار» تقسیم می‌شود.

راهبردهای پیشگیری‌های اجتماعی، راهبردهای طولانی مدت بوده که به دنبال مبارزه با علل ریشه‌ای جرم، از قبیل تبعیض، فقر، بیکاری، ناکارآمدی اقتصادی، نقص در سیستم رفاه اجتماعی و سایر عوامل اجتماعی هستند. پیشگیری رشد مدار هم یکی از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی است که متمرکز بر کودکان و نوجوانان در معرض خطر بوده و هدف از آن مداخله‌های زودهنگام در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از



مزمّن شدن و تکرار شدن بزهکاری آن‌ها در آینده (دوران بزرگسالی) است. (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۹)

رویکردهای مکانیکی، تحلیل مکانیکی، وضعیّت محور و فرصت‌مدارانه از ارتکاب جرم دارند. در این رویکرد، ارتکاب جرم، معلول یک «فرصت» است. این رویکردها، تحلیلی منطقی از وقوع جرم، ارائه می‌دهند و جرم را «بهترین انتخاب» مجرم و معادله ناشی از «هزینه و سود» ارتکاب جرم می‌دانند.

رویکرد مکانیکی اعتقاد دارد که می‌توان با تغییر در شرایط و اوضاع و احوال در مسیر ارتکاب جرم، از وقوع آن، پیشگیری کرد، بنابراین باید خطر دستگیری، رسیدن به آماج و خطر تلاش برای ارتکاب جرم را افزایش داده و در عین حال، سود حاصل از ارتکاب جرم را، کم نمود. (گروه پژوهشی حقوق جزا و جرم‌شناسی اداره کل پژوهش اطلاع‌رسانی، بی تا: ۲۲۴)

تجزیه و تحلیل اقتصادی جرم در مبحث کلی اقتصاد خرد قرار می‌گیرد که فعالیت اقتصادی را قبل از هر چیز به عنوان فعالیت نقش آفرینان فردی تلقی می‌کند. به این ترتیب می‌بینیم که مفاهیم قیمت، سود، مفید بودن، مؤثر بودن و بالاترین درجه مطلوبیت، مفاهیم بنیادی این نوع رویکرد را تشکیل می‌دهند که متضمن رهیافت اقتصادی به رفتار فردی و رهیافت اقتصادی به واکنش اجتماعی علیه جرم است. (گسن، ۱۹۹۸: ۱۸۴)

آخرین رویکرد، «رویکرد تنبیهی» است؛ رویکردی که سعی دارد تا از طریق مجازات و بازدارندگی ناشی از آن به پیشگیری از جرم بپردازد (البته رویکرد تنبیهی در مفهوم خاص پیشگیری از جرم نمی‌گنجد).

مدعا و فرضیه ما این است که مفاهیم اولویت و پیوستگی در بین متغیرهایی اقتصادی از بازار کار آغاز شده و با متغیرهای نابرابری و فقر ارتباط معنی‌دار پیدا خواهد کرد. به همین ترتیب رویکردهای پیشگیری از جرم نیز می‌بایست در اولویت‌بندی برای پیشگیری از متغیرهایی همانند بازار کار و بیکاری و نابرابری درآمدی و اقتصادی و فقر نسبی و مطلق قرار گرفته تا از اتلاف هزینه‌ها در حوزه



نابرابری و فقر که می‌توانند متغیر وابسته عامل نخست باشند، جلوگیری به عمل آید. در حوزه پیشگیری‌های زمینه‌های اقتصادی وقوع جرم باید بین عامل‌هایی که ناشی از جرایم سازمان‌یافته یا اقتصادی صرف بوده، تفکیک قائل شد و از انواع دیگر رویکردهای پیشگیری مانند رویکرد میکانیکی یا تنبیهی بهره‌برد.

۲. ارتباط رویکردهای پیشگیری با تحلیل هزینه-فایده

تحلیل اقتصادی حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های تحلیل اقتصادی حقوق، نگرشی است که با اندیشه‌ها و روش‌های اقتصادی، به ویژه اقتصاد خرد به تبیین پدیده بزهکاری می‌پردازد. اقتصاددانان تحلیل هزینه-فایده را عبارت از بررسی چگونگی اتخاذ یک تصمیم اقتصادی، از طریق مقایسه هزینه‌های انجام کار با منافع ناشی از آن می‌دانند. (انصاری، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

با استفاده از تئوری‌های اقتصاد خرد می‌توان در مورد اینکه چه موقع و چرا فرد مرتکب عمل مجرمانه می‌شود پرداخت. به این ترتیب که یک فرد نوعی در جامعه می‌تواند یکی از دو حیطه بازار کار رسمی و بازار کار غیررسمی (مجرمانه) را انتخاب کرده و در آن به فعالیت بپردازد. چنانچه می‌دانیم اگر وی وارد بازار کار رسمی شود در ازای کاری که انجام می‌دهد، دستمزدی (w) دریافت می‌کند، ولی اگر فعالیت مجرمانه را انتخاب کند، این تصمیم وی با دو پیامد احتمالی همراه خواهد بود؛ دستگیری و عدم دستگیری.

اگر احتمال دستگیری را با (p) نشان دهیم، پس احتمال عدم دستگیری عبارت خواهد بود از $(1-p)$ در صورت دستگیری درآمدی از ارتکاب فعالیت مجرمانه عاید وی خواهد شد، که آن را با (Y) نشان می‌دهیم. چنانچه بخواهیم بدانیم که این فرد چه موقع مرتکب جرم می‌شود، باید گفت که فرد مذکور با مقایسه درآمد ناشی از بازار کار رسمی (w) با درآمد ناشی از فعالیت مجرمانه، انتخاب می‌کند که در کدام بازار اقدام به فعالیت کند. اگر درآمد لاتاری (فعالیت یا بخت‌آزمایی) مجرمانه را به صورت زیر در نظر بگیریم:



$$\text{درآمد فعالیت مجرمانه} = (1-p) Y-pm$$

در این صورت با استفاده از تحلیل هزینه-فایده فرد فعالیتی را انتخاب می‌کند که برایش سودمندتر است، لذا می‌توان ارتکاب یا عدم ارتکاب را به ترتیب زیر مطرح کرد:

اگر درآمد لاتاری $w <$ باشد فعل مجرمانه انجام می‌گیرد. اگر درآمد لاتاری $w =$ باشد، فرد نسبت به ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم در حالت خوشبینانه، بی‌تفاوت است. و اگر درآمد لاتاری $w >$ باشد، فعل مجرمانه ترک می‌گردد. (صادقی، وفایی یگانه و محمدغفاری، ۱۳۸۹: ۵۵)

از این رو در تحلیل‌های هزینه-فایده می‌بایست آثار و هزینه‌های انواع جرایم را مشخص نمود تا رویکردهای متناسب در پیشگیری (رویکردهای مکانیکی و تنبیهی و یا اصلاحی) پیش‌بینی گردد. بروز و گسترش جرم در یک جامعه اثرهای زیان‌باری را به ویژه به لحاظ اجتماعی خواهد داشت. پس می‌بایست هزینه‌های ارتکاب جرم در قوانین کیفری افزایش بهینه در مقابل فواید فعالیت مجرمانه داشته باشد (رویکردهای مکانیکی و تنبیهی).

۳. متغیرهای کلان اقتصادی و وقوع جرم در ایران

۳.۱. فقر

از منظر حقوق جزا و جرم‌شناسی، فقر یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ارتکاب جرم، به ویژه جرایم علیه اموال مثل سرقت و علیه اشخاص مانند قتل و حتی وقوع انقلاب‌ها می‌باشد. مکاتب حقوقی سوسیالیستی و تحقیقی، بر این مسئله، تأکید داشته‌اند. از نظر مکتب سوسیالیزم، جرم خصیصه نظم دنیای سرمایه‌داری است و از این جهت امری محتوم در جامعه سرمایه‌داری می‌باشد. (نجفی‌ابرناد، ۱۳۸۷: ۲۵۳)

انریکو فری (Enrico Ferri) یکی از مؤسسان مکتب تحقیقی، معتقد است که هنگام بروز هر بزه خاص، یکی از عوامل بر عوامل دیگر فزونی و برتری دارد، ولی



امتزاج و ترکیب، چند عامل از جمله عامل اجتماعی و اقتصادی همچون فقر برای وقوع بزه، ضروری است. (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۱۵)

تلاش برای تبیین ارتباط فقر و جرم بر اساس ارتباط بین عواملی نظیر سوء تغذیه، خانه مسکونی غیر بهداشتی، ازدحام و شلوغی در محل زندگی و انجام فعالیت‌های غیر قانونی است که به عنوان نتیجه‌ای از ناامیدی در کنار ناتوانی برای غلبه بر این شرایط، قابل بیان می‌باشد. فقر در دو حالت بیان می‌شود؛ «فقر مطلق» (کامل) که از طریق خط فقری که به عنوان تأمین حداقل هزینه‌های لازم در زندگی برای کسب رضایت در تأمین سلامت و بهداشت تعریف می‌شود، قابل اندازه‌گیری است، و «فقر نسبی» که در این حالت فرد، حداقل‌ها را دارد، لیکن نسبت به سایر گروه‌های درآمدی جامعه، فقیر محسوب می‌شود. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۷)

در پژوهش بررسی متغیرهای اقتصادی کلان بر نرخ فقر روستایی و شهری، نرخ فقر روستایی و شهری ایران به ترتیب برای سال ۱۳۸۳، ۱۴ و ۷/۷۰ درصد محاسبه شده است. (زیبایی و شیروانیان، ۱۳۸۸: ۱۸)

انقلاب اسلامی ایران، گرایش کشور به رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را در پی داشت که بر این اساس، علاوه بر برنامه پنج ساله توسعه، برخی اقدامات حمایتی دیگر برای مقابله با فقر نیز طراحی شد و به اجرا درآمد. با وجود تمام تلاش‌های صورت گرفته در جهت از بین بردن فقر و همچنین تأکید اصل ۴۳ ق.ا. ایران، بر ریشه‌کنی فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد اقتصادی با حفظ آزادگی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های ایرانی طی دو دهه گذشته به شدت تحت فشار اقتصادی بوده‌اند، به نحوی که امروز فقر در ایران به صورت یکی از چالش‌های مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل طرح است. با توجه به آمارهای محاسبه شده درصد افراد فقیر در سال ۱۳۸۶ با توجه به فقر غذایی، ۱۳ درصد بوده است. (رهبر و سرگلزائی، ۱۳۹۰: ۹۲)

در مورد رابطه فقر و جرم در ایران، مطالعه صادقی و همکارانش (۱۳۸۳) حاکی از وجود ارتباط مثبت بین فقر (نسبی) و سرقت در سطح اطمینان ۹۹٪ و ارتباط بین



فقر (نسبی) و قتل در سطح اطمینان ۹۴٪ درصد است. (صادقی و همکاران: ۱۳۸۴: ۷۵-۷۴)

به نظر می‌رسد این پژوهش (به دلیل اندک بودن مطالعات در این زمینه)، تنها پژوهشی است که در ایران به رابطه فقر و جرم پرداخته است. فقر به عنوان یک متغیر مستقل جرم می‌تواند متغیر وابسته نابرابری درآمدی و شرایط مخرب بازار کار نیز در این تحلیل ترکیبی لحاظ شوند.

۳.۲. نابرابری اقتصادی و درآمدی

مارکس (Marx) پدیده جرم را ناشی از ناهنجاری اقتصادی و در یک کلام، بی‌عدالتی اقتصادی می‌داند. مکتب حقوقی سوسیالیست او، جامعه اشتراکی را به عنوان جامعه‌ای ایده‌آل معرفی کرد. لیکن باید توجه داشت که از نظر محققان جرم‌شناس، در بروز جرم، مجموعه‌ای از عوامل پیچیده زیستی، روانی و اجتماعی دخالت دارند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۴۷۳)

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر جرم، از منظر اقتصادی، نابرابری اقتصادی است که دقیقاً نقطه مقابل عدالت اقتصادی، قرار گرفته است. نابرابری اقتصادی به طور عمده از طریق نابرابری درآمدی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نابرابری درآمدی نیز همانند فقر بر اساس تعداد افراد ثروتمند به تعداد افراد فقیر تعریف می‌شود. تفاوت بین نابرابری درآمدی (اقتصادی) با فقر نسبی (یا مطلق) در این است که نابرابری درآمدی مربوط به روش توزیع ثروت در جامعه است، در حالی که فقر مقدار کل ثروت را بر اساس تعداد افرادی که درآمدشان کمتر از خط فقر باشد نشان می‌دهد. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۷)

درباره نابرابری اقتصادی و درآمدی و ارتباط آن با جرم و جنایت، در کشور ما، به نسبت ارتباط فقر با جرم، مطالعات بیشتری صورت گرفته است. در ادامه به اختصار به نتایج این مطالعات اشاره می‌کنیم. مطالعات مرتضی حسینی نژاد (۱۳۸۴) و حسین صادقی و همکارانش (۱۳۸۳) حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار بین متغیر نابرابری اقتصادی و جرایمی نظیر سرقت و قتل می‌باشد. حسینی نژاد در



مطالعه خویش به این نتیجه رسیده است که متغیرهای اقتصادی می‌توانند به نحو شایانی در تبیین جرم مؤثر واقع شوند. به عبارت دیگر می‌توان این ادعا که جرم دارای ریشه‌های اقتصادی است، پذیرفت. نابرابری به عنوان متغیری که ممکن است بر عواید ناشی از جرم بیفزاید، نقش قابل توجه در اقدام به سرقت در جامعه دارد (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۷۵) نتایج مطالعه حسین صادقی و همکارانش، نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی متغیرهایی چون نرخ نابرابری درآمدی، از جمله متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر سرقت در کشور ما بوده که بالغ بر ۹۹٪ تغییرات توسط متغیری چون متغیر مذکور، قابل تبیین است. همچنین نتایج بررسی علل اقتصادی ارتکاب قتل در ایران دالّ بر این مطلب است که متغیر نابرابری درآمدی و دیگر متغیرها توانسته‌اند، طی دوره مورد بررسی نزدیک به ۹۴٪ تغییرات ارتکاب قتل را در ایران تبیین و توضیح دهند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۶)

مطالعات دیگری چون مطالعه نادر مهرگان و سعید گرشاسبی فخر حاکی از مطالب گذشته و مؤید، مطالعات قبلی‌اند. در نتایج این پژوهش که به نسبت جدیدتر از پژوهش‌های قبلی است، آمده که بین توزیع درآمد و نرخ سرقت، رابطه معنی‌داری وجود دارد. به این ترتیب که با افزایش نابرابری درآمد، نرخ سرقت یعنی تعداد سرقت اتفاق افتاده در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت افزایش می‌یابد.

این نتیجه‌گیری نشان می‌دهد، مسؤلان امر، در کنار توجه به عوامل غیر اقتصادی، می‌باید در جهت اصلاح و بهبود وضعیت رفاه و معیشتی افراد جامعه نیز تلاش نمایند. برابر یا نابرابر بودن توزیع در آمد بین افراد جامعه به عنوان یکی از شاخص‌های بیان‌کننده وضعیت رفاه مناسب یا نامناسب افراد آن جامعه تلقی می‌شود و با فرض یکسان بودن سایر شرایط و عوامل، هر چه نابرابری توزیع درآمد در یک جامعه بیشتر باشد، تمایل و انگیزه افراد برای ارتکاب جرم، بیشتر می‌شود (مهرگان و گرشاسبی فخر، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۱۲۳)

به نظر نگارنده متغیر نابرابری اقتصادی و درآمدی در کشور ایران متغیری قوی و تأثیرگذار، برای توضیح جرم قتل بر اساس یکی از مطالعات و متغیر قاطع تبیین‌کننده نرخ جرم سرقت (نمونه بارز جرایم علیه اموال) بر مبنای همه پژوهش‌هاست. این



متغیر به نظر می‌رسد اگر تدوام داشته و با اعمال سیاست‌گذاریهای از طرف دولت، نهادها حکومتی و بخش خصوصی، کاهش نیابد، نهایتاً به معضل فقر نسبی خواهد انجامید. نابرابری علاوه بر اینکه خود عاملی مستقل برای وقوع جرم در ایران است، باعث ایجاد یک علت دیگر یعنی فقر نسبی و جرایم مربوط به این متغیر کلان اقتصادی می‌باشد.

۳.۳. بازار کار

یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین عوامل ایجاد جرم، پدیده بیکاری است، زیرا بیکاری سبب فقر، نابرابری درآمدی، مهاجرت، اختلاف خانوادگی و ... می‌شود. بدیهی است که افراد هویت خود را در موقعیت کاری که دارند، جستجو می‌کنند و هرگاه برای تمام افراد جویای کار، شغلی یافت شود، آن‌گاه انگیزه برای بروز جرم و جنایت کاهش می‌یابد. از نظر دورکیم (Durkheim) در شرایطی که جامعه دچار بحران بیکاری است و به واسطه ضعف معیارهای اخلاقی ناشی از فشار این پدیده، حالت آنومی (ناهنجاری) پدید می‌آید و باعث از بین رفتن امنیت و نظم موجود و فردگرایی افراطی می‌گردد.

در بحران ناشی از بیکاری افرادی که دچار محرومیت شده‌اند، به سوی نومیدی سوق پیدا می‌کنند و در نومیدی دست به شورش، ضرب و جرح و اهانت به حاکمیت می‌زنند. فقدان همبستگی و وفاق در چنین جامعه‌ای، بروز کشمکش و ستیزهای اجتماعی را تسهیل می‌کنند (وُلد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۷ و ۱۵۶)؛ یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی هر کشوری، پایین بودن نرخ بیکاری^۲ در آن است.

۱. توسعه به مفهوم تحول کیفی و گذرا از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر، مستلزم ایجاد تغییر همه جانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... است. توسعه، فرایندی در هم تنیده و دارای ابعاد گوناگونی است. (ناظران و اسلامی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

۲. نرخ بیکاری عبارت است از جمعیت بیکار، به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰. بیکار کسی است که توانایی و تمایل به کار کردن را داشته باشد، اما قادر به یافتن کار و شغل نمی‌شود. به عبارت دیگر بیکار کسی است که یکی از سه مشخصه را با هم داشته باشد؛ در هفته مورد بررسی کاری که دستمزد

نرخ بیکاری کشور ما، برای مردان در سال ۱۳۸۵، ۱۰/۸ درصد و برای زنان ۲۳/۳۴ برآورد شده است. یک بررسی حداقل دستمزد طی ۱۳۸۴-۱۳۶۶ نشان داد که هر چند طی این سالها افزایش حداقل دستمزدها را همواره مشاهده می‌کنیم، اما خانوارها تقریباً در همه سالهای پس از انقلاب با کسری درآمد مواجه بوده‌اند و هزینه‌های آنها بر درآمدهایشان فزونی داشته است. میزان این کسری درآمد برای خانوارهای شهری و روستایی طی دو دهه گذشته روندی صعودی داشته است و به طور متوسط سالانه در مورد خانوارهای شهری ۱۳/۴ درصد و در مورد خانوارهای روستایی ۱۱/۴ درصد افزایش یافته است (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۸)

مطالعه صادقی و همکارانش (۱۳۸۳) بیانگر وجود ارتباط مثبت بین بیکاری و سرقت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و ارتباط بین بیکاری و قتل در سطح اطمینان ۹۴ درصد است. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۶) گرشاسبی فخر در مطالعه‌ای ارتباط بین بیکاری و سرقت را در ایران مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این تحقیق نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین بیکاری و سرقت است. (گرشاسبی فخر، ۱۳۸۹: ۴۰۱)

پژوهش مهرگان و گرشاسبی فخر با عنوان نابرابری درآمدی و جرم در ایران نشان می‌دهد که با افزایش نرخ بیکاری، نرخ سرقت افزایش می‌یابد و با افزایش درآمد ماهانه خانوارها، کاهش می‌یابد. (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴، ۱۲۳)

مدّاح در پژوهشی با عنوان یک تحلیل تجربی از رابطه بیکاری و انواع سرقت، به رابطه معنی‌دار بین متغیر بیکاری و انواع سرقت، در ۲۶ استان کشور طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۵ پرداخته است. از جمله این سرقت‌ها می‌توان به سرقت اتومبیل و معاونت در آن، سرقت حیوانات اهلی، سرقت از منزل و مغازه، اشاره نمود.

بگیرد، نکرده باشد. در چهار هفته متوالی به طور پیوسته در جستجوی کار باشد و اینکه توانایی کار کردن را داشته باشد. (فرجی، ۱۳۸۸: ۲۳۹)





در این پژوهش، سیاست اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی از طرف دولت، راهکارهایی برای کاهش سرقت عنوان شده‌اند. (Maddah, 2013, 50-53)

برایند مطالعات تجربی گفته شده حاکی از این امر است که بازار کار یکی از متغیرها و شاخص‌های اصلی در تبیین وقوع پدیده جرم در میان دیگر عوامل اقتصادی از جمله فقر و نابرابری اقتصادی و درآمدی، در ایران است، چرا که اشتغال عاملی است با این قابلیت و کشش مهم، که دو عامل دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده و باعث افزایش و کاهش نرخ دو متغیر دیگر شود.

ارتباط بین بیکاری و فقر، مطابق یکی از پژوهش‌ها، در ایران هم به اثبات رسیده است. (زیبایی و شیروانین، ۱۳۸۸: ۱۵)

ایسلند، کنورسی و اسکویستی (Iceland, Kenworthy and Scopilliti, 2005) به آزمون اثر عملکرد اقتصاد کلان بر فقر در ایالات متحده آمریکا پرداختند. برای این منظور از اطلاعات بین ایالتی (Croos-State) بیکاری، اشتغال، تولید و فقر مطلق و نسبی در دهه ۱۹۹۰ و ۱۹۸۰ استفاده شد. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اشتغال، اثر مهمی در کاهش فقر مطلق و نسبی، داشته است. در مقابل بیکاری اثر قابل توجه بر فقر داشته است. مانند اشتغال، رشد سرانه تولیدهای ایالتی با افزایش ساعت کار و سطح حداقل دستمزد، اثر اندکی بر فقر نسبی داشته است. این اثر به علت افزایش ساعت کار و دستمزد خانوارهای کم درآمد، بوده است. (ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۴۸) در درجه بعد همین سطح‌بندی و تحلیل را در مورد نابرابری اقتصادی و درآمدی و فقر می‌توان بیان داشت. به عبارتی متغیر نرخ نابرابری درآمدی و اقتصادی با افزایش و کاهش خود در افزایش و یا کاهش متغیر نرخ فقر تأثیرگذار است.

۴. جرایم سازمان‌یافته و اخلاص شدید نظام اقتصادی

علاوه بر پیوستگی و اولویت‌بندی در متغیرهای جرم‌زای اقتصادی، این پیوستگی‌ها و اولویت‌ها هم در جرایمی که اخلاص شدید نظام اقتصادی کشورها و جهان را در پی دارند، قابل مشاهده است. میزان خسارت‌های اجتماعی و اقتصادی



برخی جرایم بسیار بالاست. هر جرمی آثار زیان‌باری را بر جامعه تحمیل می‌کند و دقیقاً به خاطر همین آثار است که عملی، عنوان مجرمانه به خود می‌گیرد.

به عبارت دیگر مبنای جرم‌انگاری و فلسفه وجودی هر جرمی، همان آثار و پیامدهای زیان‌باری است که از ارتکاب آن عمل ناشی می‌شود. به منظور درک فلسفه جرم‌انگاری برخی جرایم همانند جرایم سازمان‌یافته یا جرایم اقتصادی، باید آثار آن شناخته شود، زیرا همین آثار موجب پیدایش فکر مبارزه بین‌المللی با این پدیده و در نهایت ایجاد عزم بین‌المللی برای تدوین یک کنوانسیون بین‌المللی گردیده است.

ارتکاب جرم و وضعیت اقتصادی (و اجتماعی) هر جامعه‌ای با هم ارتباط تنگاتنگ داشته و تأثیر متقابل بر روی هم می‌گذارند، به این معنی که میزان رشد اقتصادی و رشد بیکاری بر میزان و نوع جرایم ارتكابی در هر جامعه تأثیر می‌گذارد و ارتکاب جرم نیز متقابلاً ممکن است بر ساختار اقتصادی و میزان رشد و توسعه اقتصادی تأثیرگذار باشد.

انحراف روند خصوصی‌سازی در دولت‌های شوروی سابق توسط جنایات سازمان‌یافته و مأمورین مرتشی، منجر به دو قطبی شدن این جوامع شده است. بدین صورت، به جای پیدایش و گسترش طبقه متوسط، یک اقلیت بسیار ثروتمند و یک طبقه بسیار فقیر که شامل اکثریت جمعیت می‌شوند، به وجود آمده‌اند. به ویژه این وضعیت در کشورهایی که قبلاً از ایدئولوژی تساوی اجتماعی افراد پیروی می‌کردند، بیشتر غیر قابل تحمل می‌نماید. در جوامعی که به نظر می‌رسد بهترین مشاغل آن در بخش دولتی است و در عین حال، مشاغل به صورت نامناسب به افراد دارای روابط خاص می‌رسد، انگیزه فعالیت تحصیلی جدی در مدارس و کسب مدارج بالاتر آموزشی برای کسانی که روابط ندارند، کاهش می‌یابد و در نتیجه رشد بالقوه اقتصاد نقصان می‌گیرد؛ در این حالت بازار کار مختل می‌شود.

در ایالات متحده آمریکا حداقل صد هزار نفر به فحشاء اشتغال دارند؛ حسب گزارش سازمان جهانی ملل متحد که اخیراً انتشار یافته ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر زن



تایلندی در ژاپن به فحشاء اشتغال دارند. تعداد افرادی که به طور غیرقانونی در کشورهای اتحادیه اروپا به فحشا به عنوان حرفه مشغول هستند از دویست هزار تا پانصد هزار نفر تخمین زده می‌شود که دو سوم این تعداد، از کشورهای اروپای شرقی و یک سوم دیگر از سایر کشورهای در حال توسعه به اروپا، قاچاق شده‌اند. از زمان جنگ سرد و گشایش مرزها، قاچاق اشخاص گسترش و افزایش یافته است. برده-داری اقتصادی و جنسی، امروزه یک صنعت پر سود و منفعت محسوب می‌شود که توسط سازمان‌های جنایتکارانه قدرتمند مثل یاکوزا، تریاد و مافیا اداره می‌شوند. این گروه‌ها مبلغی بالغ بر ۷ میلیارد دلار از این طریق تحصیل می‌کنند و در عین حال شبکه‌های خود را هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه‌یافته گسترش می‌دهند. (سلیمی، ۱۳۸۲: ۵۲-۵۱)

نکته دیگر اینکه از گذر جهانی شدن، درآمد مرتکبان جرایم فراملی بعضاً چند برابر بودجه سالیانه کشورهای محل ارتکاب آن جرایم است. به عنوان نمونه در کلمبیا یکی از این گروه‌های سازمان‌یافته جنایی و کارتل‌های قاچاق مواد مخدر در مقطعی به دولت پیشنهاد کرد که در مقابل عفو عمومی، بدهی‌های خارجی دولت را نزدیک به ۶۰ میلیارد دلار بوده، می‌پردازد.

گزارش جهانی سازمان ملل متحد در ۱۹۹۷ میلادی، در خصوص عایدات ناشی از قاچاق مواد مخدر (صنعت مواد مخدر) درآمد این فعالیت‌ها را بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد. (یعنی ۸ درصد تجارت جهانی یا به عبارت دیگر، ۴ برابر درآمد ناخالص ۵۳ کشور فقیر دنیا در همان سال)

در همین سال صندوق بین‌المللی پول عایدات ناشی از پولشویی را ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار پیش‌بینی کرد. (یعنی دو درصد درآمد ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۰۳ میلادی)

دفتر کنترل و پیشگیری از جرم مواد مخدر سازمان ملل متحد، درآمد سالیانه ناشی از قاچاق مواد مخدر را تا هزار میلیارد دلار (۸ درصد تجارت جهانی) تخمین زده است. این اعداد جملگی بیانگر این واقعیت هستند که اقتصاد رسمی، تحت الشعاع

اقتصاد غیر رسمی و نامشروع قرار گرفته است. جالب است بدانید که امرار معاش مردمان تعدادی از کشورهای جهان از مسیر همین اقتصاد زیرزمینی، صورت می‌گیرد، به نحوی که اگر بنا باشد، دولت‌ها به شکل جدی با سازمان‌های جنایی مبارزه کنند، امکان وقوع نوعی شورش و اغتشاش عمومی وجود دارد. امروزه جهان در حال درک وابستگی متقابل امنیت و توسعه بوده و اعتقاد بر آن است که امنیت جهانی، نیازمند توسعه جهانی و توسعه هم، نیازمند امنیت است. در سطحی بالاتر استنباط کلی آن است که جرایم سازمان‌یافته و اقتصادی، دموکراسی، حاکمیت قانون، ثبات و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را تهدید می‌کنند. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۱: ۵۲)

در این نوع از جرایم که خود مولد و بستر ساز عامل‌های جرمزای بیکاری، نابرابری و فقر هستند، سیاست‌گذاری و تأمین هزینه‌های مالی سنگین از طرف دولت‌ها برای پیشگیری اجتماعی و جامعه‌مدار از جرم و حتی پیشگیری اجتماعی رُشدمدار، کم‌اثر و ناکارآمد به نظر رسیده، لذا بیشترین تمرکز کشورها و نهادهای بین‌المللی می‌بایست بر رویکردهای پیشگیری مکانیکی و تنبیهی از جرم صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

تأمین مالی انواع پیشگیری از جرم، به ویژه پیشگیری جامعه‌مدار، زمانی از طرف نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و نهادهای داخلی متولی امر یعنی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه و... تأثیرگذار خواهد بود که اولویت‌بندی‌های اقتصادی و پیوستگی‌های متغیرهای مستقل و وابسته انواع جرایم تحلیل شده باشند. متغیرهای مستقل بیکاری نسبت به متغیرهای نابرابری و فقر از اهمیت و پیوستگی (ارتباط) برخوردار است؛ بدین بیان که بیکاری به عنوان متغیر مستقل جرم، دارای کشش قابل توجه برای ایجاد بسترهای نابرابری و فقر است.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از این مسائل هستند که برخی از بسترهای اقتصادی وقوع جرم یعنی فقر، نابرابری اقتصادی و درآمدی تحت تأثیر نرخ بیکاری بوده، لذا رابطه مثبت و معناداری با این متغیر کلان اقتصادی پیدا می‌کنند. دست‌آورد دیگر





این که مناشی مجرمانه‌ای با عنوان جرایم سازمان‌یافته و یا جرایم اقتصادی برای ایجاد اخلاص شدید نظام اقتصادی (که همان فقر، نابرابری و شرایط مخرب بازارکار) وجود دارند. بنابراین این عوامل علاوه بر این که خود مستقلاً عاملی برای وقوع جرایم خُردی همچون سرقت و قتل در جامعه هستند، می‌توانند نشأت گرفته از جرایم کلان سازمان‌یافته و اقتصادی باشند. تأمین مالی برای پیشگیری اجتماعی از جرم، بدون استفاده از تحلیل‌های اقتصادی بسترهای جرم‌زایی (جرایم سازمان‌یافته یا جرایم اقتصادی) که خود مجرمانه‌اند، قطعاً رویکردهای اجتماعی را با شکست مواجه خواهد کرد. بنابراین در حوزه‌های پیشگیری از زمینه‌های اقتصادی وقوع جرایم می‌بایست بین عامل‌هایی که ناشی از جرایم سازمان‌یافته یا اقتصادی صرف بوده، تفکیک قائل شد و از انواع دیگر رویکردهای پیشگیری مانند رویکرد مکانیکی یا تنبیهی بهره‌برد. اثبات چرخه معیوب جرم و جنایت در جرایم سازمان‌یافته و جرایم اقتصادی کلان، از دیگر نتایج نوشتار حاضر است که پیش از این کمتر بدان توجه شده است.

منابع و مآخذ:

- ابونوری، اسماعیل و افسانه قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۶)، ارزیابی اثر ارزشی افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۷، ش ۲۸، ص ۱۶۴-۱۳۹.
- انصاری، اسماعیل (۱۳۸۷)، تحلیل اثباتی و هنجاری حقوق کیفری و مجازات‌های بهینه از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، س ۶، ش ۱۵ و ۱۶.
- بیرانوند، رضا، یار احمدی، حسین و علیرضا میلانی (۱۳۹۹)، تحلیل پیشگیری رشدمدار از جرم در نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، س ۲۲، ش ۲.



- حسینی‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۴)، بررسی علل اقتصادی جرم در ایران، با استفاده از یک مدل تلفیقی؛ مورد سرقت، مجله برنامه و بودجه، ش ۹۵، ص: ۳۵-۸۱.
- رهبر، فرهاد و مصطفی سرگلزایی (۱۳۹۰) بررسی آثار سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی و فقر طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۶۳، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۳، ص: ۸۹-۱۱۰.
- زیبایی، منصور و عبدالرسول شیروانینان (۱۳۸۸)، بررسی اثرات متغیرهای اقتصادی کلان بر نرخ فقر شهری و روستایی در ایران، نشریه اقتصاد کشاورزی، ج ۳، ش ۲، ص: ۱۵-۳۶.
- سلیمی، صادق (۱۳۸۲)، جنایت سازمان‌یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۹۰، ص: ۱۶۹-۲۱۲.
- صادقی، حسین، شقاقی‌شهری، وحید و حسین اصغرپور (۱۳۸۴)، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۸، ص: ۶۳-۹۰.
- صادقی، حسین، وفایی‌یگانه، رضا و حسن محمدغفاری (۱۳۸۹)، اقتصاد جرم، چ ۱، تهران: انتشارات نور علم.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، چ ۱، تهران: انتشارات طرح نو.
- فرجی، یوسف (۱۳۸۴)، کلیات علم اقتصاد، چ ۳، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- گرشاسبی‌فخر، سعید (۱۳۸۹)، ارتباط بین بیکاری و سرقت در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۱۱، ش ۴۰، ص: ۴۰۱-۴۲۳.
- گروه پژوهشی حقوق جزا و جرم‌شناسی اداره کل پژوهش اطلاع‌رسانی (بی‌تا)، نقد و بررسی لایحه پیشگیری از جرم، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی: www.Lri.ir
- گسن، ریموند (۱۹۸۸م)، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: چاپخانه علامه طباطبایی.
- مهرگان، نادر، گرشاسبی‌فخر، سعید (۱۳۹۰)، نابرابری درآمدی و جرم در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، س ۱۱، ش ۴، ص: ۱۰۹-۱۲۵.



– نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، درآمدی بر جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

– _____ (۱۳۸۷)، مختصر جرم‌شناسی، تدوین مجتبی جعفری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

– _____ (۱۳۹۰)، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات نجفی ابرندآبادی)، به کوشش شهرام ابراهیمی.

– _____ (۱۳۹۱)، تقریرات درس جرم‌شناسی (جهانی شدن جرم)، تهیه و تنظیم سمانه طاهری، عاطفه شیخ‌الاسلامی.

– _____ (۱۳۹۱)، تقریرات درس جامعه‌شناسی جرم، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

– وُلد، جُرج، برنارد، توماس، اسنیپس (۱۳۸۸)، جفری، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، چ ۳، تهران: انتشارات سمت.

– ناظم‌ان، حمید، اسلامی‌فر، علیرضا (۱۳۸۹)، اقتصاد دانشی هند (الگوی برای توسعه پایدار در ایران)، فصلنامه مطالعات شبه قاره، ش ۳، ص: ۱۶۹-۱۴۵.

Maddah, Majid (2013), An Empirical of the Relationship between Unemployment and Theft Crimes, International Journal of Economic and Financial Issues Vol.3, No.1, pp50-53